

تحولات داخلی روسیه

باتوجه به جایگاه فدراسیون روسیه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تأثیر تحولات این کشور در عرصه سیاست بین‌الملل و لزوم بررسی علمی آن، مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز در ۱۳۷۸/۹/۲۶ اقدام به برگزاری یک میزگرد نمود که خلاصه‌ای از گزارش آن در زیر ارائه می‌شود. میزگرد «بررسی تحولات داخلی فدراسیون روسیه» با شرکت اساتید و تحلیل‌گران مسایل سیاست خارجی در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی حول چهار محور برگزار شد: ۱. تأثیر تحولات بر منطقه قفقاز؛ ۲. تأثیر تحولات بر منطقه آسیای مرکزی؛ ۳. تأثیر تحولات بر روابط روسیه با غرب؛ ۴. تأثیر تحولات بر سیاست جهانی.

در ابتدا آقای آل‌حبیب، معاون پژوهشی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی به عنوان رئیس جلسه ضمن توضیح در مورد اهمیت میزگرد و معرفی سخنرانان اظهار داشت: به دلیل اهمیت فدراسیون روسیه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و نفوذ این کشور در صحنه سیاست جهانی، هدف از برگزاری این میزگرد نگاه به آینده است. جنگ چچن، انتخابات دوما و انتشار منشور جدید امنیتی نشانگر چرخش مهمی در سیاست امنیتی این کشور می‌باشد. لذا شناخت تحولات مذکور برای تنظیم سیاست خارجی و بررسی میزان تأثیرات آن بر روابط دو کشور از اهمیت زیادی برخوردار است.

در مورد محور اول آقای دکتر عنایت‌الله رضا استاد دانشگاه، به عنوان اولین سخنران اظهار داشت، روسیه پس از فروپاشی شوروی به منظور احیای قدرت سابق خود تلاش کرد تا دوباره جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته را تحت کنترل خود قرار دهد. در مقابل دولت‌های غربی نیز درصدد برآمدند تا از فرصت پیش‌آمده و فروپاشی شوروی برای توسعه نفوذ خود در منطقه استفاده کرده، بین روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز و منطقه خاورمیانه و خلیج فارس جدایی بیندازند. آمریکا برای دسترسی به منابع انرژی منطقه و کنترل مسیرهای صدور آن تلاش می‌کند تا از وجود نفرت‌های قومی در منطقه که ریشه تاریخی دارد، علیه روسیه بهره‌برداری نماید. وی ضمن بررسی سیاست روسیه در منطقه قفقاز تأکید نمود که

سیاست این کشور با غرب در مورد مسیرهای انتقال انرژی، از یک سو هماهنگی و از سوی دیگر اختلاف دارد. اختلاف در این است که روسیه می‌خواهد منابع انرژی تنها از خاک این کشور صادر شود و هماهنگی آن با غرب در این مورد است که هر دو طرف نمی‌خواهند خطوط انرژی از مسیر ایران عبور نماید.

دکتر رضا در مورد تحولات اخیر تأکید نمود که مسأله چچن، روس‌ها را متوجه این واقعیت کرده که تنها عامل بقای این کشور بازگشت به سیاست ناسیونالیسم روس کبیر است و به همین دلیل نوعی اجماع در مورد حمایت از سیاست پوتین در چچن بین جناح‌ها و احزاب مختلف این کشور ایجاد شد که اگر جمهوری چچن بتواند از سیطره روسیه خارج شود این امر به جمهوری‌های داغستان، اینگوش و اوستیا (که ایرانی‌نژاد است) سرایت خواهد کرد. لذا حیثیت ناسیونالیسم روسی و بقای پوتین در گرو حل این مسأله می‌باشد. تصرف گروزنی و دیگر شهرها به منزله پایان بحران نیست. در آن صورت ممکن است مبارزان چچنی به مناطق کوهستانی پناه برده، این کشور را با مشکل جنگ چریکی روبرو سازند. لذا باید بین مسائل قومی و کسانیه که به تحریک غرب علیه روسیه می‌جنگند، تفاوت قایل شد. این بحران بیشتر ریشه در مسائل قومی و تاریخی دارد. وی در پایان افزود که ممکن است پوتین در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شود اما دوام نخواهد آورد زیرا او شخصیتی نیست که توانایی حل مشکلات این کشور را داشته باشد.

آقای آل حبیب در ادامه می‌زگرد یادآور شد، باید بین خواستن و توانستن تفاوت قائل شد. روسیه به دلیل تحولات ایجاد شده پس از فروپاشی شوروی و تحقیر آن در عرصه جهانی توسط غرب، به دنبال اتخاذ یک راهبرد جدید در سیاست خارجی خود می‌باشد. آیا این کشور باتوجه به مشکلات اقتصادی و ساختاری و تضعیف نفوذ جهانی، می‌تواند به اهداف خود دست یابد؟ روند جهانی شدن چه پیامدهایی برای این کشور دارد؟ میزان موفقیت یا عدم موفقیت روسیه، سیاست ایران را در قبال این کشور تعیین خواهد کرد.

خانم دکتر الهه کولائی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران نیز در مورد تأثیر تحولات روسیه بر آسیای مرکزی اظهار داشت: بعد از فروپاشی شوروی راهبرد تجزیه توسط غرب با

استفاده از اهرم تنش و جدایی‌خواهی قومی همچنان علیه این کشور ادامه یافته است و تداوم روابط دولت مرکزی با واحدهای تشکیل‌دهنده نظام فدرال براساس مرزبندی‌های قومی نیز ظرفیت مناسبی را برای ایجاد ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی تروئیکا به وجود آورده است که به دنبال آن اقوام داخل فدراسیون خواهان کسب خودمختاری بیشتر و استقلال از مسکو شده‌اند. وی در ادامه افزود، تحولات اخیر نشانگر تکرار رفتار تاریخی یعنی اولویت امور سیاسی و امنیتی بر مسائل اقتصادی می‌باشند که به دلیل ترس از فروپاشی مجدد و دوری بیشتر جمهوری‌های پیرامونی از این کشور، نوعی اجماع ملی در مورد سیاست دولت روسیه در چچن ایجاد شده، ولادیمیر پوتین بدون ارائه یک برنامه جامع اقتصادی و صرفاً به دلیل کارکرد سیاسی در شرایط بحرانی به محور توجه تبدیل شده است.

در نتیجه تحول یاد شده، احتمالاً در آینده روابط این کشور با جمهوری‌های پیرامونی از زاویه تأکید بر منافع و ملاحظات امنیتی دنبال خواهد شد. تحقق این مسأله با توجه به سیاست غرب در منطقه، منجر به واکنش‌های مختلفی خواهد شد. روسیه اگرچه فاقد ابزارهای لازم برای ایفای یک نقش موثر در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز است اما توانایی اخلال در روند نظم موردنظر غرب را دارد.

آقای دکتر سیدمحمد کاظم سجادپور، مدیرکل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی درخصوص تأثیر تحولات روسیه بر روابط روسیه با غرب، ضمن بیان این امر که دیدگاه‌های وی شخصی بوده و نظرات وزارت امور خارجه نیست با ژد جبرگرایی تاریخی، اظهار داشت که در همه کشورها تمایل به شبیه‌سازی شرایط موجود با شرایط پیشین وجود دارد. در حال حاضر تحولات، شرایط داخلی و نیروهای درگیر در صحنه سیاسی روسیه تغییر یافته‌اند؛ لذا شرایط این کشور متفاوت از گذشته می‌باشد.

وی جهت تبیین موضوع در ابتدا سه سؤال را مطرح کرد:

۱. تحولات داخلی روسیه چه تأثیری بر سیاست خارجی این کشور داشته، ارتباط بین

این دو چیست؟

۲. در غرب چه گفتمان‌ها یا دغدغه‌های راهبردی نسبت به روسیه وجود دارد و در این

زمینه دستورالعمل غرب کدام است؟

۳. آیا می‌توان روند آینده تحولات این کشور و ارتباط بین این تحولات و سیاست خارجی و ارتباط آن را با غرب حدس زد؟

دکتر سجادپور قبل از پاسخ به سؤالات یاد شده به تشریح دو مفهوم پرداخت: اول اینکه، بین واقعه و روند تفاوت وجود دارد. دنیای سیاست مملو از وقایع بوده، مهم درک روندها می‌باشد. دوم اینکه، به کار بردن مفهوم یکپارچگی در مورد غرب و روسیه، باتوجه به وجود گرایش‌ها و نهادهای متنوع صحیح نیست.

در پاسخ به سؤال اول بر سه نکته تأکید شد:

(الف) روسیه در مرحله انتقالی به سر می‌بزد، یک شکستگی در ساختارهای داخلی آن ایجاد شده است لذا با مشکلات دوران بعد از امپراطوری دست و پنجه نرم می‌کند. اوج قدرت این کشور تمام شده و مرحله جدیدی از قدرت آغاز شده است. نخبگان و نهادهای درگیر در عرصه سیاست داخلی و خارجی متنوع و متفاوت از گذشته هستند. رابطه بین مسکو و ۸۹ منطقه فدرال در حال تغییر است.

(ب) باتوجه به تحولات ساختاری بازگشت به کمونیسم میسر نیست. ولی در عین حال یک گرایش اقتدارگرایانه و مرکزگرایانه در روسیه وجود دارد که با تحولات ساختاری در حال تکوین در تضاد قرار دارد.

(ج) دو اردوگاه غرب‌گرایان و اوراسیاگرایان در روسیه فعال بوده باتوجه به تحولات اخیر، احتمالاً سنتزی از این دو دیدگاه در سیاست خارجی این کشور بروز خواهد کرد که ضمن تأکید بر هویت مستقل روسی و اوراسیایی، همکاری با غرب نیز ادامه می‌یابد.

در پاسخ به سوال دوم که در غرب در رابطه با روسیه چه می‌گذرد؟ آقای سجادپور اضافه نمود، به‌طور کلی گرایش‌های راهبردی در مورد روسیه به دو بعد سلبی و ایجابی یا مهارگرایان جدید و ادغام‌گرایان قابل تقسیم است. در بعد سلبی آمریکا نمی‌خواهد که روسیه یک کشور قدرتمند اتمی و سلطه‌طلب در سطح جهانی و منطقه‌ای باشد. لذا تلاش می‌کند تا با اجرای سازوکارهای خاصی همچون جلوگیری از فروش فن‌آوری و تجهیزات اتمی این



کشور به دیگر دولت‌ها و مهار جدید آن در مرزهای فعلی از تحقق این امر جلوگیری نماید. در بعد ایجابی سعی می‌شود تا با توسعه نهادهای غربی و دمکراتیک در این کشور، آن را با ساختارهای امنیتی، سیاسی و اقتصادی غرب پیوند دهند. هر دو گرایش در حال حاضر فعال بوده، احتمالاً سیاست غرب در قبال روسیه، فرایندی از این دو دیدگاه خواهد بود. وی در پایان اضافه نمود که تحولات چچن به علت توسعه ارتباطات مثل هر پدیده دیگری جامعه مدنی غرب را متأثر کرد ولی در سطح راهبردی آن قدر تعیین‌کننده نبود که روابط دو طرف را با مشکلات ساختاری مواجه سازد.

آقای ثقفی‌عامری سردبیر مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز به عنوان آخرین سخنران در مورد تأثیر تحولات روسیه بر سیاست جهانی اظهار داشت: در این کشور دو گرایش عمده غرب‌گرایان و اوراسیاگرایان سابقه تاریخی دارد. دیدگاه اول که از زمان پتر کبیر سابقه دارد از سال ۹۱ تا ۱۹۹۶ نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست خارجی این کشور ایفا نمود. گرایش اوراسیاگرایان که در اواخر قرن ۱۹ ایجاد شد، بعد از روی کار آمدن پریماکوف در سال ۱۹۹۶ به اولویت سیاست خارجی روسیه تبدیل شد. در کنار این دو، نظریه‌های دیگری نیز مطرح است. آقای میگرانیان ایده مونروئه را مطرح کرد که طبق آن مناطق آسیای مرکزی و قفقاز جزو منافع حیاتی روسیه تلقی می‌شوند. نظریه اوراسیایی ملی‌گرایی افراطی (اولتراناسیونالیسم) نیز در حال رشد است. این تفکر به شدت ضد آمریکایی بوده، خواهان تعامل نزدیک‌تر با اروپای غربی، به خصوص آلمان و محافل احزاب دست راستی است. طرفداران آن با اسلام‌افراطی از نوع وهابی و پان‌ترکیسم مخالف بوده، خواهان گسترش روابط با کشورهایی مثل چین و هند هستند. این تفکرات در حال چالش با یکدیگر بوده، احتمالاً برآیندی از آن‌ها سیاست راهبردی روسیه را مشخص خواهد نمود. وی ضمن ارزیابی بین قدرت کنونی روسیه و شوروی و نقش آن در سیاست جهانی تأکید نمود که این کشور هنوز از ظرفیت‌ها و امکانات زیادی جهت ایفای یک نقش مطرح در جهان برخوردار است که لازم است در ارزیابی سیاست خارجی خود در قبال این کشور به این مسائل توجه داشت. مساحت کنونی روسیه حدود ۱۷ میلیون کیلومتر مربع و حدود دو برابر خاک آمریکا است. از لحاظ



منابع معدنی $\frac{1}{8}$ ذخایر نفت و حدود $\frac{1}{3}$ گاز جهان در این کشور قرار دارد. منابع طلا، پلاتین، الماس و نیکل آن تعیین‌کننده قیمت‌ها در بازارهای بین‌المللی است. مهم‌تر از همه دسترسی آن به منابع آب شیرین است، که در قرن آینده اهمیت بیشتری خواهد یافت. در سطح بین‌المللی دومین قدرت هسته‌ای جهان است و از ساختار و صنایع و فن‌آوری پیشرفته نظامی برخوردار می‌باشد.

سردبیر مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز در مورد منشور جدید امنیتی روسیه اضافه نمود که برخلاف دکتترین بازدارندگی شوروی در منشور جدید بر استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در مقابل هرگونه تهدید علیه روسیه و یا متحدان آن اشاره شده است. این تحولی مهم می‌باشد و اکنون در مورد استفاده از سلاح‌های هسته‌ای به منظور دفاع از موقعیت جهانی و منافع ملی این کشور، نوعی اجماع در بین تمام جناح‌های سیاسی ایجاد شده است.

پرسش و پاسخ

سؤال: آیا دیدگاه‌های مهارگرایانه و ادغام‌گرایانه در مقابل روسیه تنها به آمریکا منحصر می‌شود یا در کشورهای اروپایی نیز وجود دارد؟

جواب: در اروپا نیز در عمل مشاهده شده که هر دو دیدگاه وجود دارد. گسترش ناتو و حمایت اروپا از آن، نشان داد که در مورد راهبرد مهار بین کشورهای اروپایی وحدت‌نظر می‌باشد. اما در مورد میزان و چگونگی مهار، مهار اتمی یا مهار توسط نیروی نظامی اختلاف‌نظر است. دیدگاه ادغام‌گرا در کشورهای آلمان و فرانسه از استحکام زیادتری برخوردار است. اکنون دولت‌های غربی به این نتیجه رسیده‌اند که علاوه بر سطوح دولتی باید با نهادهای غیردولتی روسیه نیز ارتباط برقرار کنند. در روسیه نیز ارتباطات در سطوح غیردولتی با جهان غرب در حال گسترش است.

سؤال: آیا احتمال بازگشت به کمونیسم در روسیه وجود دارد یا خیر؟

جواب: بازگشت به کمونیسم عملی نیست. حزب کمونیست فعلی با حزب کمونیست شوروی تفاوت دارد. سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی حزب سابق مورد تأیید حزب فعلی



نیست. حزب کمونیست اکنون نوعی پیوند با ملی‌گرایی روسیه داشته، از اقتصاد مختلط حمایت می‌کند. این حزب شبیه احزاب کمونیستی در اروپا در دهه ۱۹۶۰ است که تلاش می‌کردند در چارچوب نظام‌های پارلمانی برای تحقق سوسیالیسم فعالیت کنند.

سؤال: در حال حاضر وضعیت فعالیت سرمایه‌گذاران و شرکت‌های غربی در منطقه چگونه است؟ آیا دورنمای مسیر ارتباطی این کشورها به جهان خارج از ایران می‌باشد یا خیر؟
 جواب: بعد از فروپاشی شوروی، کشورهای منطقه به‌منظور کاهش وابستگی به مسکو تلاش کردند تا شرکای تجاری جدیدی انتخاب کنند. اما برخلاف تصویر مبالغه‌آمیز ذهنی که در ابتدای فروپاشی در مورد استقلال اقتصادی در بین رهبران این کشورها ایجاد شده بود؛ اکنون حجم تجارت منطقه با جهان خارج و میزان سرمایه‌گذاری‌ها به‌دلیل محدودیت‌های جغرافیای سیاسی با تعدیل مواجه شده است. جمهوری اسلامی ایران طبیعی‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیر برای ارتباط این کشورها به جهان خارج و صدور منابع انرژی می‌باشد؛ ولی سیاست خصومت‌آمیز آمریکا با جمهوری اسلامی ایران این کارکرد طبیعی برای ارتباط را مختل کرده است. به دلیل هزینه بالای صدور منابع نفتی از مسیرهای دیگر، شرکت‌های غربی در تنظیم قراردادهای جدید با احتیاط عمل می‌کنند.

سؤال: آیا روسیه قادر به ایفای نقش مؤثری در مناطق پیرامونی خود می‌باشد و تا چه حد قادر به مقاومت در مقابل غرب است؟
 جواب: سیاست خارجی هر دولتی بازتابی از سیاست داخلی آن است. لذا با توجه به تحولات داخلی روسیه، پاسخ به این سؤال مشکل می‌باشد. مقاومت مسکو در برابر غرب و ایفای یک نقش مؤثر در منطقه، به وضعیت اقتصادی این کشور بستگی دارد. روسیه به دلیل مشکلات اقتصادی قادر به تأمین نیازهای اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نیست و بهبود اوضاع اقتصادی آن به زمان نسبتاً طولانی نیاز دارد. اقتصاد روسیه در دوران اتحاد شوروی تک‌بعدی و بیشتر متوجه صنایع سنگین و نظامی بود. صنایع سبک و مصرفی که در جهت رفع نیازهای مردم باشد، ایجاد نشده بود. در حال حاضر هدف اصلی دولت‌مردان روسیه،



همه‌جانبه کردن اقتصاد این کشور است؛ ولی میزان موفقیت محدود بوده است. وی در مورد سیاست غیر شفاف روسیه در دریای خزر و در قبال جمهوری اسلامی ایران تأکید نمود که سیاست خارجی این کشور به وضعیت تحولات در جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز و سیاست غرب بستگی دارد. تا زمانی که جمهوری‌های تازه استقلال یافته از سیاست‌های روسیه تبعیت نکنند این کشور جهت تعدیل اوضاع سیاسی منطقه نیازمند ایران بوده، به سیاست اعتدالی خود در قبال ما ادامه می‌دهد. اما در صورتی که در مجاب کردن دولتمردان منطقه به عبور خطوط انتقال انرژی از خاک خود، موفق شود، سیاست خشنی را نسبت به ایران اتخاذ خواهد کرد. لذا لازم است جمهوری اسلامی ایران باتدوین راهبردهای مناسب و همانند چین با هتمندی از رقابت بین غرب و روسیه در منطقه در راستای نیل به منافع ملی خود استفاده نموده، به گونه‌ای عمل نماید که غرب و روسیه به آن واکنش شدید نشان ندهند اما در عین حال نگران مواضع ایران باشند.

سؤال: باتوجه به این واقعیت که روسیه هرگاه قادر به حل مشکلات داخلی خود نبوده، به سمت مسائل امنیتی و نظامی گرایش پیدا کرده است. آیا احتمال بهبود در وضعیت اقتصادی این کشور وجود دارد یا خیر؟

جواب: مسایل سیاسی در برهه‌ای از زمان می‌توانند مشکلات داخلی را تحت تأثیر قرار داده، از عکس‌العمل شدید مردم بکاهد؛ اما این امر به مفهوم حل مشکلات نیست. روسیه با مشکلات ساختاری نظیر، کمبود منابع سرمایه‌ای، عقب ماندگی فن‌آوری، دشواری‌های به ارث برده از زمان شوروی، پیامدهای ناشی از شوک درمانی برای انتقال به اقتصاد بازار و تأثیرات منفی خصوصی‌سازی بدون برنامه مواجه بوده؛ لذا بعید است که در کوتاه‌مدت قادر به فائق آمدن بر این مشکلات باشد. ولی ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی و نظامی، زمینه ایفای یک نقش مؤثر را برای این کشور در منطقه فراهم کرده است.

موسی الرضا وحیدی جبله

مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز